

## مقدرات تاریخی آموزش کارل مارکس

مطلب عمده در آموزش مارکس توضیح چگونگی نقش جهانی- تاریخی پرولتاریا به مثابه ایجاد کننده ی جامعه ی سوسیالیستی است. حال به بینیم آیا پس از بیان این آموزش به توسط مارکس، جریان حوادث در تمام جهان آن را تأیید نمود؟

برای اولین بار مارکس در سال ۱۸۴۴ آن را مطرح ساخت. «مانیفست کمونیست» مارکس و انگلس، که در سال ۱۸۴۸ منتشر شد، بیان جامع و منظمی از این آموزش است که تا کنون بهتر از آن نیامده است. تاریخ جهان از این زمان به بعد آشکارا به سه دوره ی عمده تقسیم می شود:

۱) از انقلاب ۱۸۴۸ تا کمون پاریس (۱۸۷۱)؛

۲) از کمون پاریس تا انقلاب روسیه (۱۹۰۵)؛

۳) از انقلاب روسیه به بعد.

حال در هر یک از این دوره ها نظری به مقدرات آموزش مارکس بیفکنیم.

### ۱

در آغاز دوره ی اول، آموزش مارکس به هیچ وجه تسلطی ندارد. این آموزش فقط یکی از فراکسیون ها یا جریانات فوق العاده کثیر سوسیالیسم را تشکیل می دهد. در این دوره شکل هائی از سوسیالیسم مسلط است که از لحاظ اساسی با اصول ناردونیکى ما خویشاوندی دارد: پی نبردن به پایه ی مادی جریان تاریخ، ناتوانی در

مشخص ساختن نقش و اهمیت هر طبقه از جامعه ی سرمایه داری، استتار ماهیت بورژوازی اصلاحات دموکراتیک با انواع عبارات سوسیالیست مآبانه در باره ی «مردم»، «عدالت»، «حق» و غیره.

انقلاب سال ۱۸۴۸ ضربت مهلکی به تمام این اشکال پر هیاهو، رنگارنگ و پر از غوغای سوسیالیسم ما قبل مارکس وارد نمود. انقلاب در تمام کشورها طبقات مختلف جامعه را در حال فعالیت نشان می دهد. کشتار کارگران از طرف بورژوازی جمهوری خواه در روزهای ژوئن سال ۱۸۴۸ در پاریس به طور قطع آشکار می کند که تنها پرولتاریا دارای طبیعت سوسیالیستی است. بورژوازی لیبرال صدمبار بیش از هر ارتجاع دیگری از استقلال این طبقه می ترسد. لیبرالیسم ترسو در برابر ارتجاع سر تکریم فرود می آورد. با الغاء بقایای فنودالیسم رضایت خاطر دهقان هم فراهم می شود و او هم طرفدار نظم می گردد و فقط گاه گاهی بین دموکراسی کارگری و لیبرالیسم بورژوازی مردد است. کلیه ی آموزش های مربوط به سوسیالیسم غیر طبقاتی و سیاست غیر طبقاتی مزخرفات پوچی از آب در می آیند.

کمون پاریس (۱۸۷۱) این سیر تکاملی اصلاحات بورژوازی را به پایان می رساند؛ جمهوری، یعنی آن شکل سازمان دولتی که در آن مناسبات طبقاتی به شکل کاملاً بی پرده ای خودنمایی می نماید استحکام خود را تنها مدیون قهرماتی پرولتاریاست.

در تمام کشورهای دیگر اروپا هم یک سیر تکاملی بغرنج تر و ناکامل تری منجر به استقرار همان جامعه ی بورژوازی که از پیش ترکیب یافته است می گردد. اواخر دوره ی اول (۱۸۴۸-۱۸۷۱) دوران طوفان ها و انقلاب ها است و سوسیالیسم ما قبل مارکس زائل می گردد. احزاب پرولتاریائی مستقل قدم به عرصه ی وجود می گذارند؛ انترناسیونال اول (۱۸۶۴-۱۸۷۲) و سوسیال دموکراسی آلمان.

## ۲

دوره ی دوم (۱۸۷۲-۱۹۰۴) فرقی با دوره ی اول «مسالمت آمیز» بودن آن و فقدان انقلاب در آنست. باخترا کار انقلاب های بورژوازی را به پایان رسانده است. خاور هنوز به آن ها نرسیده است.

باخترا وارد مرحله ی تدارک «مسالمت آمیز» برای دوران اصلاحات آتی می گردد. همه جا احزاب پرولتاریائی که از حیث پایه ی خود سوسیالیستی هستند تشکیل می شوند و طرز استفاده از پارلمانتاریسم بورژوازی، طرز ایجاد مطبوعات روزانه ی خود، مؤسسات تعلیم و تربیتی خود، اتحادیه های کارگری خود و کنوپراتیوهای خود را می آموزند. آموزش مارکس پیروزی کامل به دست می آورد و دامنه می گیرد. جریان انتخاب و جمع آوری نیروهای پرولتاریا، آمادگی وی برای نبردهای آینده بتانی ولی علی الدوام پیش می رود.

دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیزم در رشته ی تنوری، دشمنان او را وادار می نماید که به لیاس مارکسیست در آیند. لیبرالیسم میان پوسیده کوشش می کند به شکل ایورتونیسیم سوسیالیستی خود را احیاء نماید. دوره ی تدارک نیرو برای نبردهای عظیم را آن ها به معنی امتناع از این مبارزات تعبیر می کنند. آن ها بهبود وضعیت بردگان را برای مبارزه بر ضد بردگی مزدوری به این معنی تشریح می نمایند که بردگان حق آزادی خود را به پول سیاهی فروخته اند. با جبن و ترس «صلح اجتماعی» (یعنی صلح با برده داری) و چشم پوشی از مبارزه ی طبقاتی و غیره را ترویج می کنند. اینان در میان عمال پارلمانی سوسیالیست و انواع پشت میزنشین های جنبش کارگری و از روشن فکران «سمپاتیزان» تعداد کثیری طرفدار دارند.

## ۳

هنوز اپورتونیست‌ها فرصت نکرده بودند به اندازه کافی از «صلح اجتماعی» و عدم لزوم طوفان در شرایط «دموکراسی» مدح و تمجید کنند که یک منبع جدید بزرگ‌ترین طوفان‌های جهانی در آسیا گشوده شد. انقلاب روس انقلاب‌های ترکیه، ایران و چین را به دنبال آورد. ما اکنون درست در عصر این طوفان‌ها و «واکنش» آن‌ها در اروپا زندگی می‌نماییم. مقدرات جمهوری کبیر چین، که انواع گفتارهای «متمدن» اکنون دندان‌های خود را برای آن تیز می‌کنند، هر چه باشد باز هیچ نیروی در جهان قادر نیست اصول سابق سرواژ را در آسیا تجدید نماید و دموکراتیسم قهرمانانه‌ی توده‌های مردم را در کشورهای آسیایی و نیمه‌آسیایی از صفحه‌ی زمین بزدايد.

تعویق طولانی یک مبارزه‌ی قطعی بر ضد سرمایه‌داری در اروپا برخی از اشخاص را که نسبت به شرایط لازمه برای آمادگی و رشد مبارزه‌ی توده‌ای دقت نداشتند به یأس و انارشسیسم کشانده بود. اکنون ما می‌بینیم که این یأس انارشسیستی تا چه اندازه حاکی از کوتاه‌نظری و کم‌دلی می‌باشد.

از این واقعیت که آسیای هشت صد میلیونی به مبارزه در راه همان ایده آل‌های اروپا جلب شده است یأس نه بلکه قوت قلب باید دست بدهد.

انقلاب‌های آسیا باز همان سست‌عنصری و دنانت لیبرالیسم، همان اهمیت فوق‌العاده‌ی استقلال توده‌های دموکراتیک، همان تحدید حدود آشکار میان پرولتاریا و انواع و اقسام بورژوازی را به ما نشان داد. کسی که پس از تجربه‌ی اروپا و آسیا از سیاست غیر طبقاتی و سوسیالیسم غیر طبقاتی دم بزند او را فقط باید در قفس نهاد و در کنار مثلاً کانگوروی استرالیایی به معرض نمایش گذارد.

از پی آسیا، اروپا هم شروع به جنبیدن نمود. منتها نه به طرز آسیائی. دوره ی «مسالمت آمیز» سال های ۱۸۷۲-۱۹۰۴ برای همیشه و بدون برگشت سپری شد. گرانی زندگی و فشار تراست ها موجب حدت بی سابقه ی مبارزه ی اقتصادی گردید، مبارزه ای که حتا کارگران انگلیس را هم که به دست لیبرالیسم بیش از همه فاسد شده بودند از جای تکان داد. هم اکنون در آلمان، کشور بورژواها و یونکرها که بیش از دیگران به «روئین تئی» معروف است در برابر چشم ما بحران سیاسی نضج می گیرد. جنون تسلیحات و سیاست امپریالیسم، از اروپای کنونی چنان «صلح اجتماعی» ترکیب می دهد که بیش از همه شبیه به بشکه ی باروت است. و اما از هم پاشیدن تمام احزاب بورژوازی و نضج پرولتاریا علی الدوام به پیش می رود. پس از پیدایش مارکسیزم، هر یک از این ۳ دوره ی بزرگ تاریخ جهانی تأییدات جدید و ظفرمندی های جدیدی نصیب آن نموده است، ولی عصر تاریخی که در حال گشایش است، ظفرمندی باز هم بزرگ تری را نصیب مارکسیزم، این آموزش پرولتاریا خواهد نمود.

در تاریخ ۱ مارس ۱۹۱۳ در شماره ی ۵۰ روزنامه ی «پراودا» به چاپ رسید.

و. ای. لنین، جلد ۱۸ کلیات، چاپ چهارم ص ۵۴۴-۵۴۷

منبع: منتخب آثار تک جلدی لنین صفحه ی ۲۹

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمل: [yasharzarri@yahoo.com](mailto:yasharzarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴